



ایران و آمریکا و اشتباهات هنجاری



حامد ایرانشاهی

پژوهشگر سابق
مرکز تحقیقات استراتژیک

آمریکایی‌ها در شناسایی منافع‌شان معمولاً کمتر اشتباه می‌کنند؛ مثلاً تصور می‌شود در همین انتخابات ۵ نوامبر نخواهد گذاشت دونالد ترامپ دوباره رئیس‌جمهور ایالات متحده شود. هزار جور بازی سیاسی درمی‌آورد و در نظرسنجی‌های مختلف ترامپ را در صدر می‌نشانند اما در تحلیل نهایی می‌دانند که او برای منافع ملی آنها (به‌ویژه در سطح بین‌الملل) مضر است و در نهایت بازی را طوری می‌چینند که با اختلاف اندک به هریس بیازد و برای همیشه از عرصه سیاست آمریکا کنار برود. حتی اغلب جمهوری خواهان نیز راضی به همین نتیجه هستند و دوست ندارند دوباره ترامپ را در کاخ سفید ببینند. البته مقصد زیر سوال بردن دموکراسی آنها نیست، بلکه مراد معرفی این خصیصه سیاستمداران ینگه دنیاست که معمولاً در شناخت مصالح‌شان بسیار نکته‌سنج و آینده‌نگرند.

با این همه، گاهی نیز دچار خطای تحلیل می‌شوند و اشتباهات بزرگ هم البته در تاریخ داشته‌اند که یکی از بزرگ‌ترین آنها مشارکت‌شان در کودتای ۲۸ مرداد و دخالت مستقیم آنها در امور داخلی ایران بعد از این واقعه است. تلخ‌ترین واقعه‌ای که در ذهن ایرانیان از دولت ایالات متحده وجود دارد، بدون تردید همین نقطه‌نگین است، و این تصمیم اشتباه آنها، خیلی به ضررشان منجر گردید و به‌رغم آنکه ایرانیان را معمولاً فراموشکار معرفی می‌کنند اما ملت ایران هیچ‌گاه این اقدام آمریکایی‌ها را نتوانست از ذهنش پاک کند و در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در پی جبران آن برآمد. جوانان انقلابی ایران که بیم تکرار کودتای ۲۸ مرداد و حضور مستقیم آمریکا در ایران پس از انقلاب را نیز داشتند با نگرش انقلابی آن روز، چاره کار را در آن دیدند که سفارت آمریکا در تهران را اشغال نموده و رابطه میان این دو کشور را قطع کنند. بدین ترتیب آنها نیز تلخ‌ترین رویدادی را که آمریکایی‌ها می‌توانستند از ایرانیان در خاطر نگاه دارند، رقم زدند و با تسخیر سفارت آمریکا در تهران، برای دولت آمریکا و البته دولت ایران بحران‌های بعدی را ایجاد نمودند. آمریکایی‌ها در ۲۸ مرداد دولت ملی مصدق را زمین‌گیر کردند و نهال دموکراسی در ایران را از ریشه قطع و تا سال‌ها بعد دست مردم ایران را در مقابل حکومت خالی نمودند. آنها پشت پادشاه ناتوان ایران ایستادند، تا توانمند شود، اما به‌رغم شعارهای دموکراسی خواهانه‌شان، ملت ایران را به نحو عجیبی خلع سلاح کردند و پشت ملت قرار نگرفتند تا جامعه مدنی در ایران شکل بگیرد و این مهم‌ترین خطای استراتژیک آنها در خاورمیانه و دنیا بود. تسخیر سفارت ایالات متحده با نگاه دیپلماتیک اقدام اشتباهی بود که حتی مخالفان جدی در ایران داشت. نخست‌وزیر و دولت وقت ایران و همچنین رئیس وقت دیوان عالی کشور مهم‌ترین آنها بودند اما جامعه جوان انقلابی با این پس‌زمینه تاریخی چاره‌ناهم انقلاب را فقط در همین اقدام دیده بود و تسامحی نیز در این خصوص نداشت. قطعاً این اقدام دانشجویان پیرو خط امام ضررهای فراوانی را برای ایران در پی داشت، اما درک این رویداد بدون فهم این پس‌زمینه تاریخی تقریباً غیرممکن است.

بعد از این واقعه آمریکایی‌ها تا ماه‌ها درگیر مسئله گروگانگیری بودند و روابطشان با تهران و مزایای وابسته به آن را دست دادند، اما خیلی سریع سعی کردند آن را در روابط با دیگر کشورهای منطقه جبران کنند. با این حال هیچ کشوری نتوانست جای ایران را برای آنها پر کند و یک حسرت بزرگ را برای آمریکایی‌ها باقی گذاشت. همان حسرتی که سال‌ها بعد مادلین آلبرایت، وزیر وقت امور خارجه آمریکا را بر آن داشت که اعتراف کند در کترین ایالات متحده در حمایت از محمدرضا شاه در مقابل مردم ایران اشتباه بوده و با برنی سندرز را مصمم نمود که در کارزار انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ حزب دموکرات به روشنی بگوید دولت آمریکا برای کودتای ۲۸ مرداد باید رسماً از ملت ایران عذرخواهی کند.

آمریکایی‌ها در ۲۸ مرداد مستقیماً دموکراسی، استقلال، آزادی، دولت مردمی ایران را نابود کردند و باعث شدند تا سال‌ها بعد احساس افسردگی و تحقیر، لحظه‌ای دگراندیشان ایرانی را رها نکند. همان احساسی که جرعه‌های انقلاب را در ذهن مردم ایران زد و بعد از آن باعث تسخیر سفارت آمریکا در تهران شد. بله، با نگاه امروزی آمریکایی‌ها در ۲۸ مرداد و ایرانی‌ها در ۱۳ آبان هر دو اشتباه کردند اما اشتباه آنها مقدمه اخلاقی نداشت و منفعت‌طلبی صرف بود که البته تاریخ ثابت کرد که در درک آن نیز دچار خطای محاسباتی شده بودند، ولیکن اشتباه ایرانی‌ها ناشی از غرور ملی خدشه‌دار شده‌شان بود و آن را می‌توان تلاش در جهت اعاده حیثیت‌شان دانست. از قضا این اقدام در راستای منافع ایرانیان نیز نبود و صرفاً با نگاه ایدئولوژیک و هنجاری قابل توجیه و تنها راهبرد انقلابیون در راستای تداوم انقلاب بود.

سکه ۱۴۰۳ از شنبه وارد بازار می‌شود

بانک مرکزی از آغاز عرضه سکه بهار آزادی جدید این بانک از ۱۹ آبان و به تاریخ ۱۴۰۳ در مرکز مبادله ارز و طلای ایران خبر داد. در متن این اطلاعیه آمده است: «به اطلاع مردم و صاحبان کسب و کارها می‌رساند که با توجه به افزایش قیمت انس جهانی طلا و از طرف دیگر تشدید معاملات سفته‌بازی طلا، نرخ موجود سکه در بازار شدیداً حیابی است و احتمال نوسان شدید در آن وجود دارد؛ لذا به مردم عزیز توصیه می‌شود جهت جلوگیری از ضرر و زیان و در صورت عدم نیاز فوری، خریدهای خود را به زمان دیگر موکول کنند.»

افزایش یابد و همین مسئله درباره طلا هم تکرار می‌شود: «بسته به اینکه سخنرانی‌های ترامپ درباره ایران و منطقه چگونه باشد ممکن است این شوک افزایش یافته یا متوقف شود. حتی اگر سخنان او به گونه‌ای بود که انتظار آرامش در منطقه را ایجاد کند، ممکن است شاهد کاهش شدن قیمت ارز و طلا باشیم.» به گفته افقه اگر هریس پیروز انتخابات باشد، شاهد شوک سه‌چهارتومنی قیمت ارز رو به پایین خواهیم بود اما این موضوع هم به نحوه ادامه تنش در منطقه مرتبط است. اما همچنان اقدام بانک مرکزی برای افزایش نرخ نیمایی می‌تواند فشار کاهنده ارز را حتی در صورت کاهش تنش در منطقه، متوقف کند.

سهم اندک خبرهای سیاسی بر بازار طلا

ناذر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا و جواهر اما تحلیلی متفاوت از افقه دارد. او تنش‌های منطقه‌ای و انتخابات در آمریکا را چندان هم در افزایش قیمت طلا در بازارهای ایران موثر نمی‌داند. بذرافشان به هم‌میهن می‌گوید: «نوسانات امروز قیمت ارز باعث شد که ما شاهد افزایش قیمت اندک در بازار طلا باشیم. با توجه به اینکه امروز یکشنبه بود، بازارهای جهانی تعطیل بودند اما بازارهای داخلی متأثر از نوسانات بازار ارز بود.» او تأکید می‌کند که در بازار طلا هیچگونه التهابی وجود ندارد: «بازار روال عادی خود را طی می‌کند و امیدواریم شاهد ثبات قیمت‌ها در روزهای آینده باشیم.» رئیس اتحادیه طلا و جواهر عنوان می‌کند که تاثیر خبرهای سیاسی بر بازار طلا در مراحل بعد از نوسانات بازار ارز در داخل و بازارهای جهانی قرار دارد. سهم تاثیر اخبار سیاسی در نوسانات بازار طلا بسیار کم بوده است.»



سرنوشت این دختر تاجایی بود که آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات در واکنش به این ماجرا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دیدن تصاویر تکان‌دهنده یکی از دختران ما در دانشگاه آزاد به غایت تلخ و تکان‌دهنده بود. راه پیشگیری از تکرار چنین فجایعی پرهیز از رفتارهایی است که این مناقشه را تشدید می‌کند. تردید ندارم که تمامی رویکردهای سلبی و پلیسی شکست خورده است. همه موافقان این رویکرد را به گفت‌وگو دعوت می‌کنم.»

دانشگاه آزاد مرجع تشخیص اختلال روانی نیست

با توجه به اهمیت موضوع و اطلاعیه زودهنگام دانشگاه آزاد درباره اختلال روانی این دانشجو با شیمیا قوشه وکیل دادگستری گفت‌وگو کردیم. این وکیل دادگستری به هم‌میهن می‌گوید که تشخیص اختلال روانی در چنین مواردی نه با دانشگاه آزاد است، نه با کلانتری و نه با سیستم قضایی: «بر فرض که شخص مرتکب جرم هم شده باشد، قانون‌گذار مشخص کرده که تشخیص چنین مسائلی که می‌تواند بر مجازات شخص هم تاثیرگذار باشد برعهده حوزه تخصصی «روانپزشکی قانونی» است. قاعداً وقتی در یک پرونده قضایی ادعای اختلال روانی فرد توسط خود او یا دیگران مطرح شود، پرونده باید به روانپزشکی قانونی ارجاع شود. روانپزشک قانونی هم با انجام مصاحبه‌های مختلف طی یک پروسه زمانی می‌تواند این موضوع را تشخیص دهد که آیا شخص دارای اختلال روانی هست یا خیر. ما مطمئن نیستیم که آیا پروسه مذکور درباره این خانم دانشجویی شده است یا نه. موضوع اختلال روانی او در حالی مطرح می‌شود که ما نمی‌دانیم آیا فرد یا افراد متخصصی درباره این شخص، معاینه‌های تخصصی و مصاحبه‌های بالینی ضروری را انجام داده‌اند یا خیر.» به گفته این وکیل دادگستری این مسائل جامعه را درگیر کرده و ایجاد نگرانی می‌کند، در واقع شهروندان می‌خواهند از حقایق و سرنوشت این خانم مطلع شوند. بنابراین حتی اگر فرایندهای تخصصی هم طی شده باشد قرار نیست دانشگاه آزاد درباره نتایج این فرایندهای بفرض طی شده اطلاعیه دهد. او تأکید می‌کند: «مرجع اعلام این موضوع دانشگاه آزاد نیست با فرض اینکه جرمی هم وقوع یافته باشد مرجع اعلام چنین مواردی سیستم قضایی است که این سیستم هم باید از متخصص یا همان روان‌پزشک قضایی موضوع را استعلام کرده و نتیجه را اطلاع‌رسانی کند.» قوشه موضوع را از زاویه دیگری هم بررسی می‌کند: «اگر برای مرجع تشخیص قانونی، اثبات شود که فرد دچار اختلال روانی است قانون‌گذار در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده و قوه تمیز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.» بنابراین با فرض این موضوع اساساً شخص دارای اختلال روانی مسئولیت کیفری نداشته و به تبع آن مجازات نمی‌شود.» این وکیل دادگستری این را هم می‌گوید که با توجه به اینکه شهروندان از قوه قضائیه انتظار شفاف‌سازی دارند، این دستگاه ملزم به شفاف‌سازی است: «اما باید این موضوع را هم در نظر گرفت که شهروندان چنین مواردی را زیاد شنیده‌اند و ممکن است باور کردن این موارد برایشان سخت باشد. بنابراین باید بی‌طرف بودن مرجع پزشکی یا روان‌پزشکی هم به اثبات برسد.»

دامنی پراز گل

درباره عکسی از برداشت زعفران

رفیق دوران سربازی‌ام بچه فائزات بود. دوران خدمت در زندگی پسرها دوران عجیبی است. اول جوانی است و هر کدام از پسرها آرزوهای زیادی در سر می‌پروراندند. دوران آموزشی لااقل زمان ما تا دو ماه کسی حق خارج شدن از یادگان رانداشت. اینطور بود که صمیمیت غربی بین بچه‌ها شکل می‌گرفت. جمعی را در نظر بگیرد

که همگی یک دغدغه دارند. آن دغدغه هم گذراندن ایام بدون دردمرست است. بین خودمان هم باشد تقریباً همگی به اتفاق به فکر بیچاندن برنامه «سین» هفتگی هستند. طبیعتاً فرماندهان و بالادستی‌ها هم چپ و راست می‌سربازهای از زیر کار در روزی می‌گیرند و به قاعده یکی برای همه و همه برای یکی به خودت می‌آبی و می‌بینی که نصف روز را باید رژه تپیه‌ی بروی. سربازی از آن جاهایی است که فرقی بین فقیر و غنی هم وجود ندارد. چه‌سا که اگر کسی مشهور به غنی بودن بشود ایام خدمت را سخت‌تر می‌گذرانند. باری در همین ایام رفیقم که اهل قائنات بود و تا قبل از سربازی روی زمین کشاورزی پدرش کار می‌کرد، تمام دغدغه‌اش این بود که فصل برداشت نزدیک است و اگر به کمک نرود خانواده‌اش نمی‌توانند از پس کار برآیند. در یکی از شب‌های نگهبانی من و رفیقم در سرمای جاسوز، هم‌قسم شدیم که برای برداشت، هر طور شده خودمان را به قائنات برسانیم. اوایل آبان ماه بود و وقت برداشت، به رفیقم گفتیم دوربین هم می‌آورم و از برداشت زعفران عکس می‌گیرم و عکس‌ها را در قیس‌بوک می‌گذاریم و دست‌دلال‌ها را از زمین‌تان کوتاه می‌کنیم. موضوع را برای فرمانده گروهان و فرمانده گردان توضیح دادیم و به هزار جور عذر و بهانه‌ها بعد از ظهر، برای پنجشنبه و جمعه برگه مرخصی گرفتیم و راهی شدیم. چهارشنبه‌شب راه افتادیم و ظهر فردا به قائنات رسیدیم و آنجا هم یک ساعتی به سمت شیر مرغ رفتیم. ناهار را خوردیم و گشتی در اطراف زدیم. در این بین از رفیقم می‌پریدم چرا سر زمین نمی‌رویم که کار را شروع کنیم و او می‌گفت انشالله فردا صبح زود، شب موقع خواب متکی بلندی به من رسید که هر جور سرم را می‌گذاشتم خوابم نمی‌رفت. ساعت‌ها کلنجار می‌رفتم و به ساعتی که نمی‌گذشت نگاه می‌کردم و از خواب خبری نبود. نفهمیدم چطور اما چشم که از خواب باز کردم آفتاب طلوع کرده بود و هیچ کس در خانه نبود. مثل شصت‌تیر دوربینم را آماده کردم و دویدم سمت زمین که دیدم لشکر خسته با دامنی پر از گل از سر زمین بر می‌گردند. برداشت زعفران قبل از طلوع آفتاب و پیش از اینکه گل‌ها کاملاً باز شوند، شروع می‌شود. در این زمان مردان و زنان به زمین می‌روند و در سریع‌ترین حالت ممکن گل‌ها را می‌چینند. بعد از ظهر همان روز دست از پا درازتر سوار اتوبوس شدم و به یادگان برگشتم. قاعدتاً نتوانستم دست‌دلال‌ها را کوتاه کنم.

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار



عکس: محمد عطایی / ایرنا